

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



ناشر، تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی آموزشی معاونت
فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف
نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۶
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

غیرقابل فروش / اهدایی

آدرس مجتمع: قم، بلوار ۱۵ خرداد، جنب امامزاده شاه سید علی مجتمع
فرهنگی آموزشی معاونت فرهنگی اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
آدرس: تهران، خیابان نوفل‌لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،
معاونت فرهنگی و اجتماعی.

تلفن: ۰۲۵-۳۸۱۸۷۱۵۶

سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی



سایت سازمان: www.oghaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

اشاره

یکی

از مهم‌ترین امتیازات جامعه شیعه، این است که جامعه شیعه برخوردار از خاطره عاشورا است. از همان روزی که موضوع ذکر مصیبت حسین بن علی علیه السلام مطرح شد، چشمه‌ی جوشانی از فیض و معنویت در اذهان معتقدین و محبین اهل بیت علیهم السلام جاری گشت. این چشمه‌ی جوشان، تا امروز همچنان ادامه و جریان داشته است؛ بعد از این هم خواهد داشت و بهانه آن هم یادآوری خاطره عاشورا است.

این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمی‌کند، بلکه روزه‌روز برجسته‌تر می‌کند؟ آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پُر از دشمنان، حسین بن علی علیه السلام و یارانش به شهادت می‌رسند، خانواده‌اش اسیر می‌شوند و آنها را می‌برند و تمام.

امروز
بعد از گذشت
قرن‌ها، همان حادثه‌ای که باید در ظرف
ده روز، پانزده روز اثری از آن نمی‌ماند و یادی از آن نمی‌شد،
بینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیون‌ها شیعه در کشورهای
مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیرمسلمانان، نام حسین بن علی علیه السلام
مثل خورشیدی می‌تابد؛ دل‌ها را روشن می‌کند، راهنمایی می‌کند.
این که گفتند: «**كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ**» به معنای این
است که زمان می‌گذرد، اما حوادث جاری در زندگی بشر، حقایق آفرینش
دست نخورده است. در هر دوره‌ای انسان‌ها نقشی دارند که اگر آن نقش
را به درستی، در لحظه مناسب، در زمان خود ایفا کنند، همه چیز به سامان
خواهد رسید، ملت‌ها رشد خواهند کرد، انسانیت گسترده خواهد شد.
نوشتار حاضر، نگاهی است به برخی از ابعاد این حادثه عظیم برای
فراگیری آموزه‌ها و درس‌های زندگی، تا با تأسی به این شخصیت نورانی
و محبوب، سبک زندگی خداپسندانه و متعالی را بیاموزیم و خود را در
روشنان این نور، نورانیت و معنویت ببخشیم.

فضائل

وعظمت

عليه السلام

سيد الشهداء



محبوب قلبها

در خانه نبی اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ و در محیط زندگی این بزرگواران، این وجود عزیز خصوصیتی داشته و مورد محبت و عشق ورزیدن بوده است.



عزیز دُرْدانه پیامبر

در دوران حیات پیامبر ﷺ، امام حسین ﷺ عبارت است از کودک نور دیده‌ی سوگلی پیامبر. عزیزترین عزیزان؛ کسی که رئیس دنیای اسلام، حاکم جامعه اسلامی و محبوب دل همه مردم، او را در آغوش می‌گیرد و به مسجد می‌برد.^۱ همه می‌دانند که این کودک، محبوب دل این محبوب همه است. او روی منبر مشغول خطبه خواندن است که این کودک، پایش به مانعی می‌گیرد و به زمین می‌افتد. پیامبر ﷺ از منبر پایین می‌آید، او را در بغل می‌گیرد و آرام می‌کند.^۲

۱- مسند احمد، ج ۳، ص ۲۲۶.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹۵.



حسین جوان

حسین جوان؛ بالنده، عالم و شجاع است. در جنگ‌ها شرکت می‌جوید، در کارهای بزرگ دخالت می‌کند، همه او را به عظمت می‌شناسند. نام بخشندگان که می‌آید، همه چشم‌ها به سوی او بر می‌گردد!

در هر فضیلتی، در میان مسلمانان مدینه و مکه، هر جایی که موج اسلام رفته است، مثل خورشیدی می‌درخشد. همه برای او احترام قائل‌اند. خلفای زمان برای او و برادرش احترام قائل‌اند و در مقابل او، تعظیم و تجلیل و تجلیل می‌کنند و نامش را به عظمت می‌آورند.^۲ جوان نمونه‌ی دوران و محترم پیش همه.



مثل مغناطیس

نام حسین بن علی علیه السلام نام عجیبی است. خصوصیت اسم آن امام در بین مسلمین بامعرفت، این است که دل‌ها را مثل مغناطیس و کهربا به خود جذب می‌کند. خدای متعال در نام امام حسین علیه السلام اثری قرار داده است که وقتی اسم او آورده می‌شود، بر دل و جان ما ملت ایران و دیگر ملت‌های شیعه، یک حالت معنوی حاکم می‌شود.

۱- الارشاد، ج ۲، ص ۷.

۲- الامالی، شیخ طوسی، ص ۷۰۳؛ بحار الانوار، ج ۳، ص ۵۱.



سرور جوانان بهشت

امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، سرور جوانان بهشت^۱ دو امام بزرگوار و دو معصوم، تربیت شده‌ی دامان حضرت فاطمه علیها السلام هستند.

پیامبر صلی الله علیه و آله درباره امام حسن و امام حسین شش، هفت ساله فرمود: «سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۲؛ اینها سرور جوانان بهشتند. اینها که هنوز کودکند، جوان نیستند، اما پیامبر می‌فرماید سرور جوانان اهل بهشتند؛ یعنی در دوران شش هفت سالگی هم در حد یک جوان است؛ می‌فهمد، درک می‌کند، عمل می‌کند، اقدام می‌کند، ادب می‌ورزد و شرافت در همه وجودش موج می‌زند.



بنده صالح

حسین علیه السلام یک انسان است؛ اما انسان فوق‌العاده، بنده‌ی صالح و شایسته. وقتی انسانی آماده است برای خدا حتی طفل شش ماهه‌اش را در مقابل چشمش ذبح کند، این اوج انسانیت است.

۱- مسند احمد، ج ۳، ص ۳؛ الامالی، شیخ طوسی، ص ۳۱۲.

۲- الامالی، شیخ طوسی، ص ۳۱۲.



گل بوستان پیامبر ﷺ

حسین بن علی علیه السلام، یکی از گل‌های اولین روزگاران تشکیل حکومت اسلامی بود. او و برادرش جزو اولین گل‌هایی بودند که در این گلستان رویدند. با رویدن آنها، چشم پیغمبر صلی الله علیه و آله روشن شد و دیدگان نافذ رسول الهی در آینه تاریخ دید که این مولود، با خون خود و با مقاومت و محو شدنش در هدف و با بیرون آمدنش از همه حیثیات شخصی، رسالت او را حفظ خواهد کرد و انقلاب اسلامی را تا ابد بیمه خواهد کرد؛ و همین طور هم شد. حسین بن علی علیه السلام اسطوره مقاومت بود و به شهادت آبرو داد.



مصباح الهدی

این جمله‌ای که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَسَفِينَةُ النَّجَاةِ! یعنی حسین، چراغ هدایت و کشتی نجات است»، ویژه همه زمانهاست، اما در بعضی از زمان‌ها یک ظهور و تجلی بیشتری پیدا می‌کند.

۱- المنتخب، للطریحی، ج ۱، ص ۱۹۸.



عبد خالص

وجود مقدس سیدالشهدا علیه السلام اگرچه بیشتر با بُعد جهاد و شهادت معروف شده، لیکن آن بزرگوار در حقیقت مظهر انسان کامل و عبد خالص و مخلص و مخلص برای خداست. اساساً جهاد واقعی و شهادت در راه خدا، جز با مقدمه‌ای از همین اخلاص‌ها و توجه‌ها و جز با حرکت به سمت «إنقطع إلى الله» حاصل نمی‌شود.



مثل خورشید

نه فقط ما انسان‌های خاکی حقیر و ناقابل، بلکه همه عوالم وجود، ارواح اولیا و بزرگان و فرشتگان مقرب، محتاج پرتوی از انوار حضرت اَبی‌عبدالله علیه السلام هستند و در تمام عوالم تو در توی وجود - که برای ما روشن و آشنا هم نیست - نورِ مبارکِ حسین بن علی علیه السلام، مثل خورشید می‌درخشد.



حسین من

حرکت نبوی و حرکت حسینی، مثل دایره متحد‌المرکز هستند؛ به یک جهت متوجه‌اند. لذا اینجا «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»^۱ معنا پیدا می‌کند.

۱- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۱۴.



پیوند عرفان و حماسه

شخصیت درخشان و بزرگوار امام حسین علیه السلام دو وجهه دارد: یک وجهه، همان وجهه‌ی جهاد و شهادت و توفانی است که در تاریخ به راه انداخته و همچنان هم این توفان با همه برکاتی که دارد، برپا خواهد بود؛ یک بُعد دیگر، بُعد معنوی و عرفانی است که بخصوص در دعای عرفه به شکل عجیبی نمایان است. شاید بشود با یقین گفت که همین معنویت و عرفان و توسل و فناء فی الله و محو در معشوق و ندیدن خود در مقابل اراده ذات مقدس ربوبی است که ماجرای عاشورا را هم این طور با عظمت و پرشکوه و ماندگار کرده است.



سه صفت ممتاز و برجسته

مردم ما، الگوهای بزرگ و درخشانی در جلوی چشم خود دارند. از جمله بزرگترین آنها، حضرت اَباعبدالله علیه السلام، پیشوای مسلمین و فرزند پیامبر و شهید بزرگ تاریخ است. برجستگی وجود اَباعبدالله علیه السلام دارای ابعاد است، ولی اگر دو، سه صفت برجسته را در میان همه این برجستگی‌ها اسم بیاوریم، یکی از آنها «اخلاص» است؛ یعنی رعایت کردن وظیفه خدایی و دخالت ندادن منافع شخصی و گروهی و انگیزه‌های مادی در کار. صفت برجسته دیگر، «اعتماد به خداست». و خصوصیت سوم، شناختن «موقع» و زمانشناسی است.



ثارالله

در همه‌ی آثار اسلامی، دو نفر را داریم که از آنها به «ثارالله» تعبیر شده است. در فارسی، یک معادل درست و کامل برای اصطلاح عربی «ثار» نداریم. «ثار»، یعنی حقّ خونخواهی. اگر کسی «ثار» یک خانواده است، یعنی این خانواده حق دارد درباره‌ی او خونخواهی کند. در تاریخ اسلام از دو نفر اسم آورده شده است که صاحب خون اینها و کسی که حق خونخواهی اینها را دارد، خداست. این دو نفر یکی امام حسین علیه السلام است و یکی هم پدرش امیرالمؤمنین علیه السلام؛ «يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ»^۱. پدرش امیرالمؤمنین هم حقّ خونخواهی اش متعلق به خداست.

۱- کامل الزیارات، ص ۴۰۶؛ بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۳۶۰.



چرايي
ودلايل
قيام



جاری شدن کوثر دین

هدف این حادثه چه بود؟ هدفش «حسین مَنی و آنامن حسین» بود. یعنی دین خدا و کوثر جاری الهی باید از این سرچشمه روان شود و در طول تاریخ بماند. اگر نهضت حسینی نبود، اسلام نبود. این تکان و زلزله‌ی شدید توانست اثر خودش را بگذارد و مسیر تاریخ را تعیین کند.

البته مثل همه‌ی حوادث دیگر، این حادثه یک آثار کوتاه‌مدت داشت؛ یک آثار بلندمدت. آثار بلندمدت این است که امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام آمدند و بر این پایه، دین خدا را در این پهنه‌ی وسیع گسترده‌اند.



بیان منزلت و ضرورت فداکاری برای ارزش‌ها

یک مسئله در دنیا برای همه متفکران، همه مصلحان، همه آزادگان عالم در طول تاریخ مطرح بوده و آن مسئله، ارزش‌هایی هست که از خود زندگی، ارزش آن والاتر است. زندگی کردن و در دنیا بهره‌مند شدن، ارزشمند است و نباید زندگی را، آسایش را، رفاه و تنعم را به آسانی از دست داد. مردم دنیا دنبال این چیزها در زندگی می‌گردند و می‌دوند: رفاه، پول، تنعم، آسایش فرزندان، راحتی خانواده، بی‌خیالی و بی‌غمی. اما ارزش‌هایی در زندگی وجود دارد که این تنعمات را، حتی اصل زندگی را باید فدای آن کرد.

در دوران زندگی حسین بن علی علیه السلام یک نظام فاسد به تمام معنا بر سر کار بود؛ هم در حق ضعفا ظلم می‌شد، هم ارزش‌های انسانی از بین رفته بود، هم دین خدا - که بهترین چارچوب برای تأمین عدالت اجتماعی است - به کلی فراموش شده بود؛ زحمات پیامبر صلی الله علیه و آله پایمال شده و جامعه به کلی گمراه شده بود. در این شرایط، یک وظیفه بزرگ و سنگین بر سر راه هر انسان آزاده و بزرگ‌منش و مسلمان واقعی وجود داشت... این، مسئله‌ی دوران امام حسین علیه السلام بود.



خطر زوال دین

در مقطع حساسی این حادثه اتفاق افتاد که اگر این اتفاق نمی‌افتاد، طومار دین به کلی درهم پیچیده می‌شد؛ هر کسی شرایط دهه‌های چهارم، پنجم و ششم هجری را در تاریخ خوانده باشد و بداند یزید که بود و مطلع شود در آن روز در مدینه و مکه - که مَهَبَطُ وحی خدا بود و بوی پیغمبر صلی الله علیه و آله هنوز از آن در و دیوارها به مشام اهل دل می‌رسید - چه فساد می‌گذشت و دین در چه وضعیتی قرار داشت، می‌فهمد اگر حسین بن علی علیه السلام اقدام نمی‌کرد، در جهان اسلام یک نفر نبود به مقابله با کفر و فساد و ظلم و طغیانی که زیر نام خلیفه رسول الله بر مردم حکومت می‌کرد، اقدام کند. این وضعیت همین‌طور می‌ماند و از دین هیچ خبری نمی‌ماند. اگر قیام حسین بن علی علیه السلام نبود، تمام زحمات پیغمبر صلی الله علیه و آله و جنگ‌های اُحُد و خیبر و زحمات امیرالمؤمنین علیه السلام و امام حسن علیه السلام، همه از بین می‌رفت.



خطر خاموشی نور اسلام

حسین بن علی علیه السلام وقتی به شهادت رسید که اسلام مثل شمعی که رو به خاموشی باشد، لحظات آخرش را می‌گذراند. اسلام را به اینجا رسانده بودند. وقتی امام حسین علیه السلام قیام کرد، کار به آن منتها درجه رسیده بود. اسلام واقعاً مثل همان شعله بود که دیگر آخرین نفس هایش را می‌گذراند که چند لحظه دیگر خاموش خواهد شد. امام حسین علیه السلام آنچه را باید در راه خدا بدهد، نثار کرد و رفت، اما همین بود که اسلام را زنده کرد. امروز اسلام به خون حسین بن علی علیه السلام زنده است.



اصلاح و ریشه‌کنی فساد

امام حسین علیه السلام هدف اول خود را این قرار می‌دهد: «وَنُظْهِرُ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكُمْ»، در میان کشور اسلامی، فساد را ریشه‌کن کنیم و اصلاح به وجود آوریم. اصلاح یعنی چه؟ یعنی نابود کردن فساد.

فساد چیست؟ فساد انواع و اقسامی دارد: دزدی فساد است، خیانت فساد است، وابستگی فساد است، زورگویی فساد است، انحراف‌های اخلاقی فساد است، انحراف‌های مالی فساد است، دشمنی‌های بین خودی‌ها فساد است، گرایش به دشمنان دین فساد است، علاقه نشان دادن به چیزهای ضدّ دینی فساد است.



برافراشتن پرچم‌های دین

«وَلَكِنْ لِنُرَى الْمَعْلَمَ مِنْ دِينِكَ»؛ پرچم‌های دین را برای مردم برافراشته کنیم و شاخص‌ها را به چشم آنها بیاوریم. شاخص‌ها مهم است. همیشه شیطان در میان جماعات اهل دین، از تحریف استفاده می‌کند و راه را عوضی نشان می‌دهد. اگر بتواند بگوید «دین را کنار بگذار»، این کار را می‌کند، تا از طریق شهوات و تبلیغات مضر، ایمان دینی را از مردم بگیرد. اگر آن ممکن نشد، این کار را می‌کند که نشانه‌های دین را عوضی بگذارد؛ مثل این که شما در جاده‌ای حرکت می‌کنید، ببینید آن سنگ‌نشان - آن نشانه‌ی راهنما - طرفی را نشان می‌دهد؛ در حالی که دست خائنی آمده آن را عوض کرده و مسیر را به آن طرف نشان داده است.



تجدید بنای نظام اسلامی

امام حسین علیه السلام قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت است از تجدید بنای نظام و جامعه‌ی اسلامی، یا قیام در مقابل انحرافات بزرگ در جامعه‌ی اسلامی، انجام دهد. این از طریق قیام و از طریق امر به معروف و نهی از منکر است؛ بلکه خودش یک مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. البته این کار، گاهی به نتیجه‌ی حکومت می‌رسد؛ امام حسین علیه السلام برای این آماده بود. گاهی هم به نتیجه‌ی شهادت می‌رسد؛ برای این هم آماده بود.

۱- تحف العقول، ص ۲۳۹.



عمل به احکام و سنن الهی

امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «وَيُعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَّتِكَ وَأَحْكَامِكَ». هدف آن بزرگوار اینهاست. این کلام امام حسین علیه السلام است؛ یعنی امام حسین علیه السلام جانِ خودش و جانِ پاکیزه‌ترین انسان‌های زمان خودش را فدا می‌کند، برای این‌که مردم به احکام دین عمل کنند. چرا؟ چون سعادت، در عمل به احکام دین است؛ چون عدالت، در عمل به احکام دین است؛ چون آزادی و آزادگی انسان، در عمل به احکام دین است. از کجا می‌خواهند آزادی را پیدا کنند؟! زیر چتر احکام دین است که همه‌ی خواسته‌های انسان‌ها برآورده می‌شود.



قیام علیه ظلم و بیداد

«أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يُعْمَلُ بِهِ»، آیا نمی‌بینید به حق عمل نمی‌شود. «وَالِی الْبَاطِلِ لَا يُتَنَاهَى

عَنْهُ»، و از باطل پرهیز نمی‌شود؟

این همان لبّ مرام و نظر حسین بن علی علیه السلام است؛ یعنی می‌بینید جامعه اسلامی از آن

وضع صحیح و حقیقی خودش دور افتاده و می‌بینید حق مورد عمل نیست، اما باطل مورد

عمل است. در اینجا چه باید کرد؟

«لِيُرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا»، مؤمن حق دارد به لقای پروردگار و دیدار پروردگارش

بشتابد.

«فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً»؛ من مرگ را غیر از سعادت نمی‌یابم.
 «وَالْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرْمَاءً»؛ و زندگی با ستمکاران و در کنار ستمکاران را جز سختی،
 رنج، ناراحتی و اندوه نمی‌بینم!^۱
 [یعنی] وقتی انسان می‌بیند یک دنیا ظلم در مقابل اوست، وقتی انسان می‌بیند که ظالمان
 و ستمگران بر عمده امور مسلط هستند؛ انسان باید آمادگی داشته باشد و با این وضعیت
 مقابله کند.



امر به معروف و نهی از منکر

«أَنِّي لَمْ أَخْرِجْ أَشِرًا وَلَا بَطِرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا»^۲؛ یعنی کسانی اشتباه نکنند و تبلیغاتی‌ها
 تبلیغ نکنند که امام حسین علیه السلام هم مثل کسانی که این گوشه و آن گوشه خروج می‌کنند، برای
 اینکه قدرت را به چنگ بگیرند- برای خودنمایی، برای عیش و ظلم و فساد- وارد میدان مبارزه
 و جنگ می‌شود! کار ما از این قبیل نیست.
 «وَأَمَّا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى»؛ عنوان این کار، همین اصلاح است؛
 می‌خواهم اصلاح کنم. این اصلاح از طریق خروج است؛ خروج، یعنی قیام.

۱- اللهوف، ص ۴۸.

۲- بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

حضرت می‌فرماید: من خارج شدم تا اینکه در امت پیغمبر ﷺ طلب اصلاح کنم؛ یعنی فساد را که در امت پیغمبر به وجود آمده، از بین ببرم. این انحرافی که به وجود آمده را از بین ببرم.

«أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم. یعنی حقیقت و روح این حرکت، امر به معروف و نهی از منکر است. می‌خواهم نهی از انجام دادن آن بدی بکنم و مردم را به خوبی‌های اسلام دعوت و امر کنم. این، حقیقت حرکت حسین بن علی ﷺ است. [به تعبیر دیگر]، این اصلاح، مصداق امر به معروف و نهی از منکر است.



بیدارگری وجدان‌ها

«وَبَدَّلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ»؛ یعنی حسین بن علی، جان و خون خود را در راه تو داد؛ «لَيْسَتْ قِدْ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ»؛ تا بندگان تو را از جهل نجات دهد؛ «وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ»؛ و آنها را از سرگردانی ناشی از ضلالت و گمراهی برهاند. این یک طرف قضیه، یعنی طرف قیام کننده؛ حسین بن علی ﷺ است.

طرف دیگر قضیه، در فراز بعدی معرفی می‌شود: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهٖ مَن غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَىٰ»؛ نقطه مقابل، کسانی بودند که فریب زندگی، آنها را به خود مشغول و دنیای مادی، زخارف دنیایی، شهوات و هواهای نفس، از خود بی‌خودشان کرده بود؛ «وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَىٰ»؛ سهمی را که خدای متعال برای هر انسانی در آفرینش عظیم خود قرار داده است. این سهم عبارت است از سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت. به بهای پست و ناچیز و غیر قابل اعتنایی فروخته بودند. این، خلاصه نهضت حسینی است.



احیای حق

آن روز که حسین بن علی علیه السلام دست عزیزترین عزیزان خود را گرفت و به سوی میدان خطر به راه افتاد، بسیاری تعجب کردند، بسیاری ملامت کردند، بسیاری او را منع کردند، اما آنها نمی‌دانستند که اگر امام حسین علیه السلام این کار بزرگ را نکند، حق در دنیا زنده نخواند ماند. او فدا شد تا حق زنده بماند.

۱- مصباح المتهجد، ص ۷۸۸.



واجب بودن قیام در برابر انحراف

وقتی قدرتی همه‌ی امکانات جوامع و یا یک جامعه را در اختیار دارد و راه طغیان پیش می‌گیرد و جلو می‌رود، اگر مردان و داعیه‌داران حق در مقابل او اظهار وجود نکنند و حرکت او را تخطئه نکنند، با این عمل، کار او را امضا کرده‌اند؛ یعنی ظلم به امضای اهل حق می‌رسد، بدون این‌که خودشان خواسته باشند. این گناهی بود که آن روز بزرگان و آقازادگان بنی‌هاشم و فرزندان سردمداران بزرگ صدر اسلام مرتکب شدند. امام حسین علیه السلام این را بر نمی‌تافت؛ لذا قیام کرد.

حرکت امام حسین علیه السلام چنین حرکتی بود. فرمود: «مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا حُرِّمَ اللَّهُ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُحَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ قَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ»؛ یعنی اگر کسی کانون فساد و ظلم را ببیند و بی تفاوت بنشیند، در نزد خدای متعال با او هم سرنوشت است.

امام حسین علیه السلام می‌دانست که اگر این حرکت را نکند، این امضای او، این سکوت او، این سکون او، چه بر سر اسلام خواهد آورد.

۱- تاریخ طبری، ج ۴، ص ۳۰۴.



سست شدن پایه‌های حکومت فاسد

حسین بن علی علیه السلام هنگام بیرون آمدن از مدینه و رفتن به سوی مکه، خطاب به برادرش «محمد بن حنفیه»، یک جمله به عنوان وصیت نامه نوشته است: «أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي...»؛ یعنی این مردم عالم! ای برادرم محمد! ای مردم شهر مدینه! ای کسانی که در اقطار عالم اسلامی تحت سایه ننگین حکومت یزید زندگی می‌کنید! ای نسل‌های آینده‌ی تاریخ انسانیت! بدانید هدف قیام من چه بوده است.

«أَنْتِي لَمْ أَخْرُجْ أَشِيرًا وَلَا بَطْرًا...»؛ من به انگیزه‌های مادی بیرون نیامدم؛ من نیامدم تا مانند یزید مقامی بگیرم؛ من قیام نکردم تا مانند این دنیاطلبان پست، بهره مادی بخواهم و خود را برخوردار کنم؛ من به کربلا نمی‌روم برای اینکه به فکر دنیای مادی خویش باشم.

حرکت من، بیرون آمدن من برای مقصود دیگری است. آن مقصود چیست؟ قیام برای این است که این فساد را که حکومت یزید و اموی به وجود آورده است، نابود کنم. من خود را آماده شهادت و فداکاری کرده‌ام تا با خون و فداکاری خود، بر روی همه

۱- «من از روی خودخواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امت جدم از وطن خارج شدم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب عمل کنم.» بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

تدابیر یزیدی خط بطلان بکشم. من برای این می‌آیم تا پایه‌ی فاسد این رژیم و این حکومت را متزلزل کنم.



حفظ محور امامت

در صدر اسلام، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین ضربه‌ای که بر اسلام وارد شد، این بود که حکومت اسلامی از امامت به سلطنت تبدیل شد. حکومت امام حسن و حکومت علی بن ابی‌طالب علیهما السلام به سلطنت شام تبدیل شد!

وقتی حکومت از مرکز دینی خودش خارج شد و در اختیار دنیاطلبان و دنیاداران گذاشته شد، بدیهی است که بعد هم حادثه کربلا پیش می‌آید. آن وقت حادثه‌ی کربلا حادثه‌ای نیست که بشود جلویش را گرفت؛ اجتناب‌ناپذیر می‌شود.

[به عبارت دیگر:] اساس حمله و نقشه‌ی دشمن این است که حکومت را از محور اصلی-محور امامت، محور دین- خارج کند. بعد خاطرش جمع است که همه کار خواهد کرد!



امنیت یافتن ستم‌دیدگان

«وَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ»؛ بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند. «مظلومون»، مردمانی هستند که دست و پای ندارند؛ راه به جایی ندارند. هدف این است که مردمان مستضعف

جامعه و انسان‌های ضعیف - در هر سطحی و در هر جایی - امنیت پیدا کنند: امنیت حیثیتی، امنیت مالی، امنیت قضایی؛ همین‌ی که امروز در دنیا نیست. امام حسین علیه السلام درست نقطه‌ی مقابل آن چیزی را می‌خواست که در زمان سلطه‌ی طواغیت در آن روز بود. امروز هم در سطح دنیا که نگاه می‌کنید، می‌بینید همین است؛ پرچم‌های دین را وارونه می‌کنند، بندگان مظلوم خدا را مظلوم‌تر می‌کنند و ستمگران، پنجه‌شان به خون مظلومان بیشتر فرو می‌رود.

هدف از هر قیامی، هدف از هر انقلاب، هدف از هر قدرت اسلامی‌ای، و اصلاً هدف از حاکمیت دین خدا، رسیدگی به وضع «مظلومون» و عمل به فرایض، احکام و سُنن است.



الگوسازی برای قیام

امام حسین علیه السلام نه قیام کرد برای اینکه به حکومت برسد و نه قیام کرد برای اینکه به شهادت برسد؛ هیچ کدام هدف امام حسین علیه السلام نبود. هدف امام حسین علیه السلام قیام برای ارائه‌ی یک تکلیف اصولی در بنای کلی نظام اسلامی به مردم بود؛ یعنی عملاً نشان داد هنگامی که اوضاع چنین شد، تکلیف این است. البته وقتی انسان چنین قیامی کرد، یکی از دو نتیجه را خواهد داد؛ یا انسان به حکومت خواهد رسید، یا به شهادت.



ترسیم تکلیف

هدف این بود که حسین بن علی علیه السلام به دنیای زمان خودش، به مسلمان‌های به فراموشی افتاده از حقایق اسلامی، و به نسل‌های آینده نشان دهد که هرگاه شرایط این بود، وظیفه این است. تکلیف، این کاری است که من کردم: خارج شدن، قیام کردن، آسودگی نشناختن، دنبال یاران بیشتر به صورت یک مقدمه حتمی برای انجام عمل نبودن، بلکه جان را کف دست گذاشتن و راه افتادن.

اصل، رساندن این پیام است. اصل، نشان دادن تکلیف به صورت مجسم است. هدف حسین بن علی علیه السلام این بود که این حرکت انجام بگیرد تا اینکه به برکت این حرکت، انسانیت و مسلمانان تاریخ و مسلمانان آن روزگار تکلیفشان را در مقابل چنان وضعی بفهمند و بدانند هنگامی که ظلم و کفر حکومت می‌کند و نظام اسلامی به طرف فساد و انحراف می‌رود و این قطار نزدیک است که از خط خارج شود، تکلیف چیست.

دستاوردها و برکات

قیام سید الشهداء علیه السلام





درمان انحراف

وقتی قطار از خط خارج شد، باید ناامید بود؟ آیا می‌شود آن را به خط برگردانید؟ پاسخ این است که بله!

البته کار مشکلی است، حرکتی می‌خواهد... و حرکت حسین بن علی علیه السلام یک چنین کاری است. حسین بن علی علیه السلام قطار دین اسلام و جامعه اسلامی را که از خط خود خارج شده بود و داشت می‌رفت به طرف ماده‌گرایی و فساد کامل، با قیام خود به حالت اول برگرداند. حکومت اسلامی بعد از او تشکیل نشد، اما رسمیت دین خدا و قرآن محفوظ ماند.



نقطه‌ی آغاز حرکت‌ها

جریان انقلاب‌های جهانی تاریخ اسلام و انقلاب‌های بزرگ، از نقطه‌ی خون این مظلومان آغاز شد. هر جای عالم که نام اسلام رفته، نام حسین علیه السلام به عنوان نمودار اسلام رفته است. شاید به جرأت بتوان گفت کلیه انقلاب‌هایی که بعد از حادثه عاشورا در طول چند قرن اتفاق افتاد، مستند به حادثه عاشورا بود؛ از آنجا الهام می‌گرفت و به آنجا استناد پیدا می‌کرد؛ چنین تأثیر عظیم تاریخی را در روند انقلاب‌های اسلامی آن زمان داشت.

هر روزی که از حادثه کربلا گذشته، انعکاس و اثر این حادثه در عواطف مردم، در وجدان‌های مردم، در ذهنیات و عقلیات مردم، عمیق‌تر و ژرف‌تر شده است.



حیات ابدی اسلام

شخصیت‌های برجسته وقتی که در راه یک آرمانی به شهادت می‌رسند، اگرچه که آن جریان یا آن انقلاب را، یا آن جامعه را از یک وجود ذی‌قیمت با فقدان خودشان محروم می‌کنند، اما به وسیله فداکاری خودشان و خون و شهادت خودشان، آن جریان را تقویت می‌کنند. دقیقاً مثل آن چیزی که در مورد همه شهدای بزرگ ما در طول تاریخ اتفاق افتاده و نمونه بارزش عاشورای حسینی است.

شخصیتی مثل شخصیت حسین بن علی علیه السلام با ارزش و ارج غیر قابل تصویری که این شخصیت دارد، فقدان او برای جامعه بشری یک ضایعه جبران ناپذیر است بدون شک؛ اما فداکاری‌ای که این فقدان از آن طریق پیش آمده، آن قدر بزرگ است که جریانی را که حسین بن علی علیه السلام به او وابسته است، آن جریان را حیات ابدی می‌بخشد. این خاصیت فداکاری است، خاصیت خون است. وقتی که ادعاها با خون انسان امضا می‌شوند، صحت آنها برای همیشه ثبت می‌شود.



بیمه دائمی دین

وقتی اسلام در بازار معامله خدا، حسین بن علی علیه السلام را خرج می‌کند، به همان اندازه عایدی و بازده به دست می‌آورد. آن چیست؟ بقای اسلام تا آخر. حسین بن علی علیه السلام شهید شد و اسلام تا آخر بیمه شد. حسین بن علی علیه السلام شهید شد و ریشه حکومت خاندان اموی و همه حکومت‌های ظلم، به وسیله شهادت او سست شد. حکومتی که شما ملت ایران آن را برانداختید، در حقیقت ضربت خورده‌ی سیدالشهداء علیه السلام، عاشورا و هیجان حسینی مردم بود.



حفظ محتوای دین

«حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»؛ حسین از من است و من از حسینم، بعضی گفتند من از حسینم یعنی دین من از برکت امام حسین علیه السلام مایه گرفت و ماندگار شد و تضمین بقا یافت؛ اینکه دین پیغمبر صلی الله علیه و آله از قیام امام حسین علیه السلام باقی ماند، در این شکی نیست؛ برای اینکه اگر قیام امام حسین علیه السلام نبود، این تکلیف به مردم داده نمی‌شد، آن قیام‌های دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس اتفاق نمی‌افتاد، حرکت پرتپش و شهادت‌طلبانه و زنده شیعه در تاریخ ادامه پیدا نمی‌کرد و ذهنیات مردم مسلمان این می‌شد که هر کس سرکار است، هر کس در رأس حکومت

۱- کامل الزیارات، ص ۱۱۶.

است، باید از او اطاعت کرد، ولو فاسق و فاجر باشد... و امروز یا هیچ نامی از اسلام نبود، یا اگر بود، نام صد در صد بی‌محتوایی بود. آنچه این محتوا را نگه داشت، قیام امام حسین علیه السلام بود.



مشعل اسلام، بر فراز مناره‌های تاریخ

بشر، هرگز شهادتی با این عظمت ندیده بود. حسین بن علی علیه السلام با آن شهادت بی‌نظیر، مشعل خاموش‌نشده شهادت را بر روی بلندترین مناره‌های تاریخ مشتعل کرد. این مشعل هم آن روز در آن دنیای تاریک و ظلمانی، و هم در قدم به قدم تاریخ تا امروز و هم امروز که روزگار فجر دوباره اسلام است، همچنان می‌درخشد؛ هم دل‌ها را گرم می‌کند، هم چشم‌ها را روشن می‌کند و هم قدم‌ها را به سوی آینده استوار می‌سازد.



موج‌های حرکت

شما اگر تاریخ سراسر افتخار اسلام شیعی را می‌خواندید و می‌دیدید در شب‌های سیاه و دیجور حکومت‌های فرعون، چه درخشندگی‌هایی در سکوت تاریک و مُظلم آن حکومت‌ها و چه فریادها و نشانه‌هایی از حیات در آن گورستانها به برکت خون حسین علیه السلام و موج خون او به وجود آمد، باور می‌کردید که نقش حسین بن علی علیه السلام هر روز برجسته‌تر می‌شود و امروز هم شما در حقیقت گل‌های روییده از امواج خون حسین علیه السلام هستید.



عاشورا؛ رمز ماندگاری دین

اساس دین با عاشورا پیوند خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاری بزرگ حسین بن علی علیه السلام نمی بود - که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلی متوجه و بیدار کرد - در همان قرن اول یا نیمه ی قرن دوم هجری، بساط اسلام به کلی برچیده می شد. قطعاً این گونه است. اگر کسی اهل مراجعه به تاریخ باشد و حقایق تاریخی را ملاحظه کند، این را تصدیق خواهد کرد. چیزی که وجدان جامعه اسلامی را در آن زمان برآشفته و اسوه و الگویی برای بعدی ها شد، همین حادثه ی عجیبی بود که تا آن روز در اسلام سابقه نداشت.



بقای خط توحید

بزرگان مشعل دار عدل و داد در تاریخ بشر هنوز زنده اند؛ یعنی آن خطی که آنها برای اثبات و جانداختن آن، تلاش و مجاهدت می کردند، در زندگی بشر ماند و به صورت یک مفهوم ماندگار و یک درس برای بشر درآمد.

امام حسین علیه السلام، اگرچه خود او به شهادت رسید، اما مجاهدت او برای این بود که خط توحید را، خط حاکمیت الله را، خط دین و خط نجات و صلاح انسان را در میان بشر ماندگار و تثبیت کند؛ زیرا عواملی سعی می کردند که این خط را به کلی پاک کنند.



سرباماندن خیمه اسلام

اگر امام حسین علیه السلام آن کار را نمی‌کرد، به فاصله اندکی اسلام از بین می‌رفت. امام حسین علیه السلام در واقع به مثابه آن میخ عظیمی شد که این خیمه طوفان‌زده را با خون خود نگه داشت.



آموزش بالندگی در پرتو جهاد و شهادت

حادثه کشته شدن، معمولاً یک حادثه تلخ است. کشته شدن سرداران و رهبران، معمولاً مایه نومیدی است؛ اما تفکر انقلابی شیعی و مکتب آموزش فداکاری و جهاد و شهادت، از چنین حادثه‌ای که برای همه تلخ است، یک غوغای شور و شغف در دل شیعیان به وجود آورد و از نقطه و واقعه‌ای که برای همه موجب نومیدی است، سرچشمه جوشان امید را به دل پیروان خود سرازیر کرد.

حسین بن علی علیه السلام و یارانش در دوران اختناق سیاه و تحمل‌ناپذیر و در مقابل قدرتی جبار و ستمگر، جان خود را فدا کردند. چشم‌های ظاهربین، حسین و دستگاه حسینی را پایان یافته تلقی کرد؛ اما او مانند بذری که زیر خاک می‌رود تا دوباره بالنده و پرثمر سر از خاک بیرون بیاورد، مانند نهال و شکوفه‌ای شاداب، از زیر خاک بیرون آمد و در طول تاریخ تشیع، به همه انسان‌های مسلمان، به همه آزادگان عالم، امید داد، شور داد، درس داد، خستگی‌ناپذیری داد، جهاد و شهادت و سرانجام پیروزی داد.



پیروزی خون بر شمشیر

خطاست اگر کسی خیال کند که امام حسین علیه السلام، شکست خورد. کشته شدن، شکست خوردن نیست. در جبهه جنگ آن کس که کشته می‌شود شکست نخورده است، آن کس که به هدف خود نمی‌رسد، شکست خورده است.

هدف دشمنان امام حسین علیه السلام، این بود که اسلام و یادگارهای نبوت را از زمین براندازند. اینها شکست خوردند، چون این‌طور نشد. هدف امام حسین علیه السلام این بود که در برنامه یکپارچه دشمنان اسلام، که همه‌جا را به رنگ دلخواه خودشان درآورده بودند یا قصد داشتند درآورند، رخنه ایجاد شود؛ اسلام و ندای مظلومیت و حقانیت آن در همه جا سر داده شود و بالأخره دشمن اسلام، مغلوب شود. و این، شد.



بقای نام و یاد اسلام

هم در کوتاه‌مدت امام حسین علیه السلام پیروز شد و هم در بلندمدت؛ در کوتاه‌مدت به این ترتیب که، خود این قیام و شهادت مظلومانه و اسارت خاندان آن بزرگوار، نظام حکومت بنی‌امیه را متزلزل کرد. بعد از همین حادثه بود که در دنیای اسلام - در مدینه و در مکه - پی‌درپی حوادثی پیش آمد و بالأخره منجر به نابودی سلسله آل‌ابی‌سفیان شد. به فاصله سه، چهار سال، سلسله آل‌ابی‌سفیان به کلی برافتاد و از بین رفت.

در درازمدت هم امام حسین علیه السلام پیروز شد. شما به تاریخ اسلام نگاه کنید و ببینید چقدر دین در دنیا رشد کرد! چقدر اسلام ریشه دار شد! چگونه ملت‌های اسلامی پدیدار شدند و رشد کردند! علوم اسلامی پیشرفت کرد، فقه اسلامی پیشرفت کرد و بالأخره بعد از گذشت قرن‌ها، امروز، پرچم اسلام بر فراز بلندترین بام‌های دنیا، در اهتزاز است.

آیا یزید و خانواده یزید به این‌که اسلام این‌طور، روزبه‌روز رشد کند راضی بودند؟ آنها می‌خواستند ریشه‌ی اسلام را بکنند؛ می‌خواستند از قرآن و پیغمبر اسلام، اسمی باقی نگذارند. اما می‌بینیم که درست به عکس شد.



حفظ ارزش‌ها

همین حرکت، اسلام را حفظ کرد. همین حرکت موجب شد که ارزش‌ها در جامعه پایدار بشوند، بمانند. اگر این خطر را نمی‌پذیرفت، حرکت نمی‌کرد، اقدام نمی‌کرد، خونش ریخته نمی‌شد، آن فجایع عظیم برای حرم پیغمبر، دختر امیرالمؤمنین و فرزندان خاندان پیغمبر پیش نمی‌آمد، این واقعه در تاریخ نمی‌ماند. این حادثه‌ای که می‌توانست جلوی آن انحراف عظیم را بگیرد، باید به همان عظمت، آن انحراف در ذهن جامعه و تاریخ، شوک ایجاد می‌کرد و کرد.

این فداکاری امام حسین علیه السلام است.



فعالیت‌های سازمان یافته‌ی شیعه

پس از واقعه کربلا و شهادت امام علیه السلام، فعالیت سازمان یافته‌ی شیعیان در عراق به مراتب منظم‌تر و پُر تحرک‌تر شد و این تأثیری بود که حالات روانی شیعیان کوفه - که بسیاری از آنان در برابر ضربه دستگاه خلافت یزید، غافلگیر شده و نتوانسته بودند خود را به صحنه عاشورا برسانند- آن را ایجاد کرده بود و سوز و تأسف و درد ایشان به آن رنگ و جلا داد.



جوشش سیلاب شهادت

او [حضرت زینب علیها السلام] می‌دانست خاطره‌ی آن خون جوشنده، سیلاب شهادت و فداکاری را در طول تاریخ، در سرزمین دل انسان‌های مسلمان به راه خواهد افکند، و افکند. از روز دهم -عاشورا- این موج خروشان همچنان در طول تاریخ ادامه داشته است. بر اثر خون شهیدان، قدرت‌های طاغوتی بسیاری سرنگون شد. قدرت طاغوتی بنی‌امیه و قدرت‌های بسیاری از بنی‌عباس، با تکان شدید این طوفان بنیان‌افکن ستم، به کلی نابود و ویران شد.

حکومت‌های بسیاری در سرزمین‌های اسلامی پدید آمد و اسلام ماند. تشیع به‌عنوان رگه‌ی پُرتپش و هیجان‌آفرین اسلام باقی ماند. هرچه حکومت‌های طاغوتی در توان داشتند، کوشیدند؛ اما از صد سال پیش تا امروز، از روزگار سیدجمال‌الدین اسدآبادی و میرزا حسن

شیرازی- آن علمای بزرگ دین- تا روزگار علمای بزرگی که جنبش مشروطیت را پی ریختند، و تا روزگار میرزا کوچک خان جنگلی- آن روحانی بزرگوار، آن چریک اسلامی و آن بنیانگذار جنبش مسلحانه در ایران- و تا روزگار سیدحسن مدرس و شهید نواب صفوی و فداییان اسلام، و تا نهضت ملی و تالاله زار خونین پانزدهم خرداد سال ۱۳۴۲، همه جا نبض خون حسین علیه السلام بود که می تپید و قلب شهیدان بود که می زد و پیکر عظیم جامعه ی اسلامی را به حرکت و تلاش درمی آورد.

درس‌ها
و عبرت‌ها





تفاوت درس و عبرت

ماجرای امام حسین علیه السلام جدای از یک درس، یک عبرت است. درس آن است که به ما می‌گوید: این بزرگوار، آن‌طور عمل کرد. ما هم باید آن‌گونه عمل کنیم. امام حسین علیه السلام درس بزرگی به همه‌ی بشریت داده که خیلی با عظمت و در جای خود محفوظ است؛ اما غیر از درس، چیز دیگری وجود دارد و آن عبرت است. عبرت آن است که انسان نگاه کند و ببیند چطور شد حسین بن علی علیه السلام - همان کودکی که جلو چشم مردم، آن همه موردِ تجلیل پیغمبر بود و پیغمبر درباره‌ی او فرموده بود: «سَيِّدُ سَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ سرور جوانان بهشت - بعد از گذشت نیم قرن از زمان پیغمبر، با آن وضع فجیع کشته شد؟! چطور شد که این اُمّت، حسین بن علی علیه السلام را جلو چشم کسانی از همان نسلی که دیده بودند که او بردوش پیغمبر سوار می‌شد و این حرف‌ها را از زبان پیغمبر درباره‌ی او شنیده بودند، با آن وضع فجیع کشتند؟! این، عبرت است.

مگر شوخی بود که دختران پیغمبر را مثل دختران سرزمین‌های فتح شده‌ی غیر اسلامی، بیاورند جلو چشم مردم کوچک و بازار بگردانند و به کسی مثل زینب علیه السلام اهانت کنند؟! چطور شد که کار به این جا رسید؟ این، همان عبرت است و از درس بالاتر است. این، نگاه به اعماق و ریزه‌کاری‌های تاریخ و حوادث است.

۱- الامالی، شیخ صدوق، ص ۱۷۷.



صحنه عبرت

غیر از درس، عاشورا یک صحنه عبرت است. انسان باید به این صحنه نگاه کند، تا عبرت بگیرد. یعنی خود را با آن وضعیت مقایسه کند و بفهمد در چه حال و در چه وضعیتی است؛ چه چیزی او را تهدید می‌کند؛ چه چیزی برای او لازم است؟ این را می‌گویند «عبرت».

شما اگر از جاده‌ای عبور کردید و اتومبیلی را دیدید که واژگون شده یا تصادف کرده و آسیب دیده؛ مجاله شده و سرنشینانش نابود شده‌اند، می‌ایستید و نگاه می‌کنید، برای اینکه عبرت بگیرید. معلوم شود که چطور سرعتی، چطور حرکتی و چگونه رانندگی‌ای، به این وضعیت منتهی می‌شود.

این هم نوع دیگری از درس است؛ اما درس از راه عبرت‌گیری است. اولین عبرتی که در قضیه عاشورا ما را به خود متوجه می‌کند، این است که بینیم چه شد که پنجاه سال بعد از درگذشت پیغمبر ﷺ، جامعه اسلامی به آن حدی رسید که کسی مثل امام حسین علیه السلام، ناچار شد برای نجات جامعه اسلامی، این فداکاری را بکند؟

چه شد که همین جامعه، همین کشور و همین شهرها، کارشان به جایی رسد و آن قدر از اسلام دور شدند که کسی مثل یزید بر آنها حکومت می‌کرد؟! وضعی پیش آمد که کسی مثل حسین بن علی علیه السلام، دید که چاره‌ای جز این فداکاری عظیم ندارد. چه شد که به چنین مرحله‌ای رسیدند؟ این، آن عبرت است.



درس دفاع از دین

اولین درس بزرگ عاشورا، درس فدا شدن در راه دین و در راه خداست، حتی در سخت‌ترین شرایط. این روشن‌ترین درس عاشورا است.

حسین بن علی علیه السلام به همه‌ی مسلمانان بلکه به همه‌ی آزادگان عالم و لو غیر مسلمان، این درس را داد که اگر شرف انسان، آزادی انسان و آرمان‌های انسان و برای مسلمانان، دین آنان در معرض خطر قرار گرفت، دفاع از دین در سخت‌ترین شرایط و با سخت‌ترین مقدمات یک فریضه‌ی اسلامی و یک فریضه‌ی انسانی است. نگویند شرایط دشوار است، نگویند نمی‌شود؛ می‌شود. از دین همیشه می‌شود دفاع کرد، با اراده‌ی راسخ و با روح فداکاری و شهادت‌طلبی.

اسلام آن قدر عزیز است که مثل بیغمبری هم برایش شهید می‌شود؛ مثل امام حسینی هم شهید می‌شود. البته همه این را نمی‌فهمند؛ همه این ایمان و آمادگی را ندارند.



سرمشق مقاومت

عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود؛ عاشورا یک فرهنگ، یک جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود.

حضرت اَبی‌عبدالله علیه السلام با این حرکت - که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی

کاملاً روشنی بود - یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت. این سرمشق فقط شهید شدن هم نیست؛ یک چیز مرکب و پیچیده و بسیار عمیق است. سه عنصر در حرکت حضرت اَبی عبدالله علیه السلام وجود دارد: عنصر منطق و عقل، عنصر حماسه و عزت، و عنصر عاطفه. درس مقاومت حسین بن علی علیه السلام، درس فراموش نشدنی است.



افزایش معرفت و شناخت

فهمیدن قضیه عاشورا فقط در تاریخ نیست؛ در هر زمانی باید دید عناصر تشکیل دهنده‌ی هویت یزیدی کجا پیدا می‌شود، آن‌گاه در مقابلش باید عناصر تشکیل دهنده‌ی هویت حسینی را به میدان آورد. پس معرفت و شناخت می‌خواهد. از جمله مهم‌ترین کارهای هیئت‌ها و جلسه‌ها و عزاداری‌ها، تبیین این مسئله است. البته وظایف مهم دیگرشان، تبیین قرآن و دین و همان معارفی است که امام حسین علیه السلام فدای آن شد.



خطر میکروب‌ها

عبرت ماجرای امام حسین علیه السلام این است که انسان فکر کند تاریخ و جامعه اسلامی، آن هم جامعه‌ای که در رأس آن، شخصی مثل پیامبر خدا- نه یک بشر معمولی - قرار دارد، چه حادثه‌ای اتفاق افتاده و چه میکروبی وارد کالبد این جامعه شده است که بعد از گذشت

نیم قرن از وفات پیامبر ﷺ و بیست سال از شهادت امیرالمؤمنین علیه السلام، در همین جامعه و میان همین مردم، کسی مثل حسین بن علی علیه السلام را به آن وضع به شهادت برسانند؟ چه اتفاقی افتاد و چه طور چنین واقعه‌ای ممکن است رخ دهد؟



خطر تهی شدن جامعه از ارزش‌ها

اگر مراقبت نباشد، آن وقت جامعه همین طور به تدریج از ارزش‌ها تهی می‌شود و به نقطه‌ای می‌رسد که فقط یک پوسته ظاهری باقی می‌ماند. ناگهان یک امتحان بزرگ پیش می‌آید - [مثل] امتحان قیام اَبی‌عبدالله - آن وقت این جامعه در این امتحان مردود می‌شود.



نترسیدن از غربت

غربت شما را نترساند و به وحشت نیندازد. قله‌ی غربت را حسین بن علی علیه السلام و یارانش بیمودند و فایده‌اش این شد که امروز اسلام زنده است و حادثه کربلا نه فقط در قطعه زمینی کوچک، بلکه در منطقه عظیمی از محیط زیست بشر امروز زنده است.

کربلا همه جا هست؛ در ادبیات، در فرهنگ، در سنت‌ها، در اعتقادات و در میان دل‌ها. آنکه در مقابل خدا سجده نمی‌کند، در مقابل عظمت حسین بن علی علیه السلام سر فرود می‌آورد. آن غربت، امروز این نتیجه را دارد.



پرهیز از دو عامل گمراهی

به نظر من این پیام عاشورا، از درس‌ها و پیام‌های دیگر عاشورا برای امروز ما فوری‌تر است. ما باید بفهمیم چه بلایی بر سر آن جامعه آمد که حسین بن علی علیه السلام، آقا زاده‌ی اول دنیای اسلام و پسر خلیفه مسلمین، پسر علی بن ابی طالب علیه السلام، در همان شهری که پدر بزرگوارش بر مسند خلافت می‌نشست، سر بریده‌اش گردانده شد و آب از آب تکان نخورد! از همان شهر آدم‌هایی به کربلا آمدند، او و اصحاب او را با لب تشنه به شهادت رساندند و حرم امیر المؤمنین علیها السلام را به اسارت گرفتند!

قرآن جواب ما را داده است. قرآن، آن درد را به مسلمین معرفی می‌کند. آن آیه این است که می‌فرماید: «فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ عَذَابًا»!

دو عامل، عامل اصلی این گمراهی و انحراف عمومی است: یکی دور شدن از ذکر خدا - که مظهر آن نماز است - فراموش کردن خدا و معنویت؛ حساب معنویت را از زندگی جدا کردن و توجه و ذکر و دعا و توسل و طلب از خدای متعال و توکل به خدا و محاسبات خدایی را از زندگی کنار گذاشتن.

دوم: «وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ»؛ دنبال شهوترانی‌ها رفتن؛ دنبال هوس‌ها رفتن و در یک جمله:

۱- سوره مبارکه مریم، آیه ۵۹.

دنیاطلبی. به فکر جمع‌آوری ثروت، جمع‌آوری مال و التذاذ به شهوات دنیا افتادن. اینها را اصل دانستن و آرمان‌ها را فراموش کردن.

این، درد اساسی و بزرگ است. ما هم ممکن است به این درد دچار شویم. اگر در جامعه اسلامی، آن حالت آرمان‌خواهی از بین برود یا ضعیف شود؛ هر کس به فکر این باشد که کلاهش را از معرکه در ببرد و از دیگران در دنیا عقب نیفتد؛ این که «دیگری جمع کرده است، ما هم برویم جمع کنیم و خلاصه خود و مصالح خود را بر مصالح جامعه ترجیح دهیم»، معلوم است که به این درد دچار خواهیم شد.



حفظ روحیه‌ی انقلابی

وقتی امام علیه السلام بر سر کار آمد، یعنی ورق برگشت؛ شهوترانی و دنیاطلبی به انزوا رفت، وابستگی و فساد به انزوا رفت، تقوا بالای کار آمد، زهد روی کار آمد، صفا و نورانیت آمد، جهاد آمد، دلسوزی برای انسان‌ها آمد، رحم و مروت و برادری و ایثار و از خودگذشتگی آمد.

اگر این ارزش‌ها را نگه داشتید، نظام امامت باقی می‌ماند. اما اگر اینها را از دست دادیم چه؟ اگر روحیه‌ی بسیجی را از دست دادیم چه؟ اگر به جای توجه به تکلیف و وظیفه و آرمان الهی، به فکر تجملات شخصی خودمان افتادیم چه؟ اگر جوان بسیجی را، جوان مؤمن را، جوان بااخلاص را - که هیچ چیز نمی‌خواهد جز این که میدانی باشد که در راه خدا مجاهدت کند -

در انزوا انداختیم و آن آدم پُرووی افزون خواهِ پرتوقعِ بی‌صفای بی‌معنویت را مسلط کردیم چه؟ آن وقت همه چیز دگرگون خواهد شد.

اگر در صدر اسلام فاصله بین رحلت نبی اکرم ﷺ و شهادت جگرگوشه‌اش پنجاه سال شد، در روزگار ما، این فاصله، خیلی کوتاه‌تر ممکن است بشود. باید در مقابل انحرافی که ممکن است دشمن بر ما تحمیل کند، بایستیم. پس، عبرت‌گیری از عاشورا این است که نگذاریم روح انقلاب در جامعه منزوی و فرزند انقلاب گوشه‌گیر شود.



بصیرت و روشن بینی

عاشورا نشان می‌دهد که جبهه دشمن با همه توانایی‌های ظاهری، بسیار آسیب‌پذیر است؛ همچنان که جبهه بنی‌امیه، به وسیله کاروان اسیران عاشورا، در کوفه آسیب دید، در شام آسیب دید، در مدینه آسیب دید و بالأخره هم این ماجرا، به فتنای جبهه سفیانی منتهی شد. درس می‌دهد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصیرت لازم است. بی‌بصیرت‌ها فریب می‌خورند. بی‌بصیرت‌ها در جبهه باطل قرار می‌گیرند؛ بدون این که خود بدانند. همچنان که در جبهه ابن‌زیاد، کسانی بودند که از فسق و فجار نبودند، ولی از بی‌بصیرت‌ها بودند. اینها درس‌های زندگی‌سازی است.



اهتمام بر دشمن شناسی

درس عاشورا، شناختن دشمن است؛ غافل نشدن از دشمن، فریب نخوردن از ترفندهای دشمن. خیلی‌ها بودند آن روز که ظواهر آنها را کور کرده بود و نمی‌توانستند باطن امر را ببینند، خیلی‌ها بودند که خیال می‌کردند باید در مقابل آن وضع ساکت بمانند، چون خیال می‌کردند علی‌الظاهر دین محفوظ است. حسین بن علی علیه السلام دشمن را در لابه‌لای این ظواهر شناخت، دشمن شناسی چیز مهمی است، اشتباه نکردن در شناخت دشمن. این هوشیاری، درس بزرگ حسین بن علی علیه السلام است.



پیروی از رهبر

پیام عاشورا تبعیت مطلق از رهبر است، هر چه رهبر گفت؛ کلمه به کلمه و مو به مو در حوادث و وقایع با اشاره‌ی مقام مقدس رهبری، در مقابل رهبر تسلیم بودن. کدام رهبر؟ آن رهبری که انسان آگاهانه او را انتخاب کرده و به او ایمان آورده، این رهبر است. لذا شما امروز در زیارت ائمه علیهم السلام هم می‌خوانید: «سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ». در مقابل کسانی که با شما می‌جنگند در جنگم، اما با کسانی که نسبت با شما سلیمند و تسلیمند، من هم با آنها سلیم و تسلیمم. رهبر اسلامی معنایش همین است که با نفوذ در دلها و با حاکمیت بر جانها، اداره‌ی حقیقی جامعه‌ی اسلامی را انجام بدهد.



هزینه دادن در راه باورها

محرم چند چیز را به محرم شناس ها نشان داد و ثابت کرد. یکی این که به همه مسلمانان عالم و به آن هایی که توانستند درس محرم را بفهمند، نشان داد که برای دفاع از اسلام و قرآن، هر کسی در هر شأن و مقامی، باید از جان خود بگذرد. مسلمانی که ادعای طرفداری از اسلام می کند، اما در راه دفاع از اسلام حاضر نیست سیلی بخورد؛ حاضر نیست برای دفاع از قرآن، مصالح شخصی خود را قربانی کند، نمی تواند ادعا کند مسلمان واقعی است.



درس حرکت و قیام

حسین بن علی علیه السلام با این حرکت عظیم، این درس را به انسان ها داد؛ هر وقت حق دچار آن چنان وضعیت دردناک و وخیمی شود، طرفداران حق اگرچه در مقابل دریایی از دشمن هستند، باید قیام کنند.

حرکت امام حسین علیه السلام، حرکت آموزنده بود؛ می خواست یاد بدهد و به همه دنیا بفهماند وقتی شرایط این گونه است که ظلم حکومت می کند، قرآن مهجور می ماند، افرادی در رأس حکومت قرار می گیرند که از خدا و از دین بیگانه اند و قطار منظم دین از خط خارج شده است، باید هر کسی که حسین علیه السلام را امام می داند، بلکه هر کسی که پیغمبر صلی الله علیه و آله را پیغمبر می داند، قیام کند.



زمان شناسی

ببینید نیاز لحظه چیست؛ هنر، این است. در عالم اسلام، هزاران نفر بودند که حسین بن علی علیه السلام، پدر حسین بن علی علیه السلام و مادر حسین بن علی علیه السلام و خاندان آنها را دوست داشتند و حاضر بودند که در رکاب امام حسین و در کنار آن حضرت، کار و تلاش کنند. همچنین یزید و یزیدیان و همه کسانی را که در ماجرای کربلا شرکت داشتند، دشمن می داشتند؛ اما آنها «حیب بن مظاهر» نشدند، «زُهریر» نشدند، آن غلام تازه مسلمان نشدند، و در میان بنی هاشم، «علی اکبر» و «ابوالفضل» نشدند. چرا؟ چون در لحظه نیاز، حضور پیدا نکردند. آن وقتی که دین به من احتیاج دارد، اگر من نیاز آن وقت را شناسم و به آن نیاز پاسخ ندهم، چه فایده که خودم را آماده و مستعد کمک برای دین بدانم؟



درس اقدام و نهراسیدن

ماجرای عاشورا هم درس است؛ درس اقدام و نهراسیدن از خطرات و وارد شدن در میدان های بزرگ. آن تجربه با آن خصوصیات و با آن دشواری، از عهده ی حسین بن علی علیه السلام برمی آمد؛ از عهده ی دیگری بر نمی آمد و بر نمی آید؛ لیکن در دامنه ی آن قلعه ی بلند و رفیع، کارهای زیاد و نقش های گوناگونی هست که من و شما می توانیم انجام بدهیم.



پرونده‌ی ویژه



انقلاب اسلامی؛ ادامه سلسله عاشورا

ما یک بخشی از یک سلسله تاریخی هستیم. نسب ما، نسب ملت ما به حسین بن علی علیه السلام می‌رسد؛ به رسول خدا و به همه انبیای الهی می‌رسد؛ ما دنباله آنها هستیم. ملت امروز ایران را تنها و مجرّد و مقطعی نباید نگاه کرد؛ با این دید کلی باید نگاه کرد. ما دنباله‌رو همان پرچمداران و رهبران هستیم. حسین بن علی علیه السلام برای بقای اسلام قیام کرد و یزید و یزیدیان می‌خواستند اسلام نباشد. امروز می‌بینید اسلام با عظمت و وسعت در سطح جهان وجود دارد و یک حکومت و نظام مقتدر و نیرومند مثل نظام جمهوری اسلامی بر پایه‌های اسلام بنا شده؛ این بر اثر زحمات حسین بن علی علیه السلام است.



هدف مشترک قیام

کاری که در زمان امام حسین علیه السلام انجام گرفت، نسخه کوچکش هم در زمان ما انجام گرفت؛ منتها آنجا به نتیجه شهادت رسید، اینجا به نتیجه حکومت. این همان است؛ فرقی نمی‌کند. هدف امام حسین علیه السلام با امام بزرگوار ما یکی بود. این مطلب اساس معارف حسین علیه السلام است و خود یکی از پایه‌های اسلام است. هدف، عبارت شد از بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح.



انقلاب؛ دنباله قیام عاشورا

انقلاب ما دنباله همان حرکت است. شیعیان امام حسین علیه السلام در این روزگار توانستند این انقلاب بزرگ را انجام دهند و به پیروزی برسانند و نظام و حکومتی بر اساس اسلام به وجود بیاورند؛ این از برکات حسین بن علی علیه السلام است.



کربلا؛ روح نهضت انقلاب ایران

روح نهضت ما و جهت‌گیری کلی و پشتوانه پیروزی آن، همین توجه به حضرت اَبی‌عبدالله علیه السلام و مسائل مربوط به عاشورا بود. هیچ فکری - حتی در صورتی که ایمان عمیقی هم با آن همراه باشد - نمی‌توانست توده‌های عظیم میلیونی مردم را آن‌چنان حرکت بدهد که در راه انجام آنچه احساس تکلیف می‌کردند، در انواع فداکاری ذره‌ای تردید نداشته باشند.

اساساً مادامی که ایمان، با محبت و عشق عمیق و رنگ و بوی پیوند عاطفی همراه نباشد، کارایی لازم را ندارد. محبت است که در مقام عمل و تحرک - آن هم در حد بالا - به ایمان کارایی می‌بخشد. بدون محبت نمی‌شد ما نهضت را به پیش ببریم.

بالاترین عنوان محبت - یعنی محبت به اهل بیت علیهم السلام - در تفکر اسلامی، در اختیار ماست. اوج این محبت، در مسأله کربلا و عاشورا و حفظ یادگارهای گران‌بهای فداکاری مردان خدا در آن روز است که برای تاریخ و فرهنگ تشیع، به یادگار گذاشته شده است.



نقش ماندگار کربلا

آن چیزی که در انقلاب ما تعیین کننده بود، مسئله عاشورا بود. قضیه عاشورا توانست انقلاب ما را به پیروزی برساند. برکت خون حسین بن علی علیه السلام و ماجرای عظیم عاشورا با آن مجاهدت و فداکاری بزرگ، در طول زمان، امت اسلامی را زنده کرد و در دوره ما یک چنین جست عظیم و اوج بلندی را از اسلام به وجود بیاورد.



خط مبارزه

«ما راه مبارزه را از حسین بن علی علیه السلام یاد گرفتیم». انقلاب خود ما یکی از همین مثال هاست. مردم ما از حسین بن علی علیه السلام یاد گرفتند؛ فهمیدند که کشته شدن، دلیل مغلوب شدن نیست؛ فهمیدند که در مقابل دشمن علی الظاهر مسلط، عقب نشینی، موجب بدبختی و روسیاهی است.



کربلا؛ سرمشق همیشگی

کربلا الگوی همیشگی ماست. کربلا مثالی است برای این که در مقابل عظمت دشمن، انسان نباید دچار تردید شود. این یک الگوی امتحان شده است. ملت ایران بحمدالله امروز راه حسین علیه السلام را آزمایش کرده است و با سربلندی و عظمت، در میان ملت های اسلام و ملت های جهان حضور دارد.



عاشورا: عامل پیروزی

ما امروز به برکت آن نهضت و حفظ فرهنگ و روحیه آن نهضت، در جامعه خودمان این نظام را به وجود آورده‌ایم. اگر در جامعه ما، عشق به امام حسین علیه السلام و یاد او و ذکر مصایب و حوادث عاشورا معمول و رایج نبود، معلوم نبود که نهضت با این فاصله زمانی و با این کیفیتی که پیروز شد، به پیروزی می‌رسید. این، عامل فوق‌العاده مؤثری در پیروزی نهضت بود و امام بزرگوار ما، در راه همان هدفی که حسین بن علی علیه السلام قیام کرده بودند، از این عامل حداکثر استفاده را کردند.



کربلا: الهام‌بخش حرکت

انقلاب ما از این حادثه الهام گرفت و به وسیله این حادثه رهنمون شد. حقیقت این است که ما انقلابمان را از برکات و از رشحات حادثه عاشورا می‌بینیم. بعد از پیروزی انقلاب نیز آنچه ما را در برخورد با قدرت‌های جهانی و در برخورد با سیاست‌های سرکوبگر و مخرب عمل کردیم، از قیام حسین بن علی علیه السلام الهام گرفتیم. جوان‌های ما به عشق حسین علیه السلام و با یاد حسین علیه السلام در میدان‌های جنگ حاضر شدند و انقلاب با این دشواری‌ها و ناهمواری‌ها، تا امروز پیش آمده است.



طوفان ماندگار: از کربلا تا ایران

این طوفان ماندگار در تاریخ که همیشه کاخ‌های ظلم از آن ترسیده‌اند و مغلوب آن شده‌اند، همیشه در مقاطع گوناگون تاریخی، هر جا درست سر بلند کرده، کاری کرده است شبیه کاری که در آن روز انجام داد؛ مثل انقلاب ما. در زمان ما با درایت امام بزرگوار، این حادثه توانست پیش از پیروزی انقلاب، ناگهان مثل همان طوفان اول بار در جامعه ظهور کند.



برافراشتن پرچم شوکت و عزت

با گذشت سیزده، چهارده قرن، نام حسین بن علی علیه السلام پرچم عدالت و فضیلت‌های معنوی است و همین نام توانسته است این انقلاب را به وجود بیاورد. این انقلاب توانست پرچم شوکت و عزت را سرپا کند. این را از حسین بن علی علیه السلام الهام گرفت و مظهر تجدید حیات اسلام شد.



مقاومت در برابر قدرت‌های شیطانی

چیزی که ما از معانی بی‌شمار این حوادث می‌توانیم امروز برای پیشرفت انقلابان استفاده کنیم، چند نکته است. یک نکته این است که مقاومت در برابر قدرت‌های شیطانی، زمان و مکان و قشر معینی از جامعه و شرایط گوناگون اجتماعی و جهانی نمی‌شناسد.

این همان رازی است که به سبب عدم توجه به آن، خیلی‌ها در گذشته و در تاریخ ما دچار سازش‌کاری و محافظه‌کاری و عقب‌نشینی در برابر قدرت‌ها شدند؛ چون این راز را نمی‌شناختند.



امامت آری؛ سلطنت خیر

کاری که امام حسین علیه السلام می‌خواست به انسان‌ها یاد بدهد، در یک جمله همان چیزی است که در نظام جمهوری اسلامی، زمان شما مسلمانان این روزگار، تحقق پیدا کرد. نظامی که در رأس آن، مقام امامت است، نه مقام سلطنت.

امام حسین علیه السلام می‌خواست به انسان‌های زمان خودش و به انسان‌های دوران تاریخ اعلام کند که وقتی چنین نظامی در جامعه نیست، باید برای ایجاد این نظام قیام کرد؛ چه این قیام به حکومت و موفقیت منتهی بشود و چه به شهادت.



مقاومت آگاهانه

مقاومت می‌تواند قدرت‌های استکباری را به زانو درآورد؛ چنانکه مقاومت امام و مقاومت ملت ایران پیش از انقلاب و بعد از پیروزی انقلاب توانست قدرت‌های استکباری را به زانو در بیاورد. این مقاومت آگاهانه، درس عمومی است. معلم بزرگ این مقاومت آگاهانه، حسین بن علی علیه السلام است.



انقلاب، پاسخ به «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ حَسِينٍ»

استنصار و یاری طلبیدن حسین بن علی علیه السلام در روز عاشورا، آن روز جوابی نشنید، آن روز حسین علیه السلام گفت: «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي»، اما هیچ کس در این آفاق نبود که در آن میدان، پاسخ مثبت به حسین علیه السلام بگوید.

این حسین بن علی علیه السلام با آن دیده‌ی نافذ و واقع‌بین، سینه‌ها را می‌شکافت، فاصله زمان را می‌شکافت، این ملت عاشق خود را می‌بیند... امروز این حرکت شما، این اقدام شما، یعنی آمدیم به استنصار حسین بن علی علیه السلام.



عاشورا؛ انگیزه‌ی حرکت و تلاش انقلابی

اگر پیام امام حسین علیه السلام را زنده نگه می‌داریم، اگر نام امام حسین علیه السلام را بزرگ می‌شماریم، اگر این نهضت را حادثه عظیم انسانی در طول تاریخ می‌دانیم و بر آن ارج می‌نهمیم، برای این است که یادآوری این حادثه به ما کمک خواهد کرد که حرکت کنیم و جلو برویم و انگشت اشاره‌ی امام حسین علیه السلام را تعقیب کنیم و به لطف خدا، به آن هدف‌ها برسیم و ملت ایران إِنْ شَاءَ اللَّهُ خواهد رسید.

مسابقه

متن کتاب حاضر،
برگرفته از کتاب «آفتاب در مصاف» است
که مجموعه‌ای از بیانات و دیدگاه‌های
رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای حفظه الله
درباره امام حسین علیه السلام و قیام کربلا است.

مسابقه بزرگ «رسم الخط کربلا»

خواننده گرامی؛ پیش از پاسخ به سؤالات مسابقه بزرگ «رسم الخط کربلا»، به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. منبع سؤالات طرح شده از کتاب «رسم الخط کربلا» می باشد و طبق مطالب کتاب تصحیح خواهد شد.

۲. به برندگان مسابقه به قید قرعه جوایز ارزشمندی اعطا خواهد شد.

۳. شرکت برای عموم علاقه مندان بالای ۱۲ سال آزاد است.

۴. شماره گزینه های صحیح را در قالب یک عدد ۱۴ رقمی از چپ به راست، به سامانه پیامکی ما به شماره ۳۰۰۱۹۶۶ ارسال فرمایید.

۵. مهلت ارسال پاسخنامه حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۰ می باشد و اسامی برگزیدگان در تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۲۲ در سایت معاونت فرهنگی و اجتماعی به نشانی www.mfso.ir و نیز سایت مرکز فرهنگی پژوهشی به نشانی www.mfpo.ir اعلام خواهد شد.

۶. برندگان، دو هفته بعد از اعلام نتایج فرصت دارند مشخصات درخواستی را از طریق سامانه پیامکی ارسال نمایند، در غیر این صورت از لیست برندگان کنار گذاشته خواهند شد.

۱- تعبیر «إِنَّ الْحُسَيْنَ مِصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاةِ» از کیست؟

۱ امیرالمؤمنین علیه السلام

۲ پیامبر صلی الله علیه و آله

۳ امام حسن علیه السلام

۴ حضرت فاطمه علیها السلام

۲- دو وجهی شخصیت درخشان امام حسین علیه السلام کدامند؟

۱ جهاد و شهادت

۲ بُعد معنوی و عرفانی

۳ قیام و حرکت

۴ گزینه ۱ و ۲

۳- در آثار اسلامی، تعبیر «ثارالله» درباره چه کسانی بیان شده است؟

۱ امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام

۲ امام حسن و امام حسین علیهما السلام

۳ امام حسین و حضرت زهرا علیهما السلام

۴ همه موارد

۴- کدام گزینه جزء دلایل قیام سیدالشهدا علیه السلام است؟

۱ اصلاح و ریشه‌کنی فساد

۲ برافراشتن پرچم‌های دین

۳ بیدارگری وجدان‌ها

۴ همه موارد

۵- کدام گزینه از دستاوردهای قیام امام حسین علیه السلام است؟

- ۱) بیمه دائمی دین
- ۲) نقطه آغاز حرکت‌ها
- ۳) حفظ ارزش‌ها
- ۴) همه موارد

۶- اولین و روشن‌ترین درس عاشورا چیست؟

- ۱) قیام در برابر فساد
- ۲) سرمشق گرفتن از حوادث تاریخی
- ۳) درس فدا شدن در راه دین و در راه خدا
- ۴) هر سه مورد

۷- کدام جمله صحیح است؟

- ۱) اسلام آن قدر عزیز است که مثل پیغمبر و امام حسین هم برایش شهید می‌شود.
- ۲) حادثه عاشورا، حادثه تاریخی صرف نبود.
- ۳) دفاع از دین، یک فریضه‌ی اسلامی و انسانی است.
- ۴) همه موارد

۸- سه عنصر اصلی حرکت أبا عبد الله علیه السلام کدامند؟

- ۱ عنصر منطق و عقل
۲ عنصر حماسه و عزت
۳ عنصر عاطفه
۴ همه موارد

۹- دشمن شناسی، زیرمجموعه کدام عنوان است؟

- ۱ عبرت های عاشورا
۲ درس های عاشورا
۳ الگوپذیری و سرمشق گیری
۴ همه موارد

۱۰- دعای مشهور عرفه از کیست؟

- ۱ امام حسین علیه السلام
۲ امام سجاد علیه السلام
۳ امام علی علیه السلام
۴ هیچکدام

۱۱- در کنار محبت و ارادت به سیدالشهدا علیه السلام، وظیفه و هنر شیعیان و پیروان

حضرت چیست؟

- ۱ زمان شناسی و شناخت نیاز لحظه
۲ حرکت و قیام
۳ قربانی شدن به پای ارزش ها
۴ بصیرت و روشن بینی

۱۲- نتیجه و پیامد عقب نشینی در مقابل دشمن علی الظاهر مسلط چیست؟

۱) ذلت و خواری

۲) بدبختی و روسیاهی

۳) زوال و نابودی

۴) همه موارد

۱۳- هدف مشترک قیام امام حسین علیه السلام و امام خمینی علیه السلام چه بود؟

۱) اصلاح امور جامعه

۲) بنای حکومت دینی

۳) بازگرداندن جامعه به خط صحیح

۴) ترویج قرآن و معارف دینی

۱۴- بهره مندی از کدام عامل آموزنده عاشورا، باعث پیشرفت انقلاب می شود؟

۱) مقاومت در برابر قدرت های شیطانی

۲) تکیه بر توان داخلی

۳) توکل حقیقی به خداوند

۴) بصیرت و شناخت زمان

۱۵- با توجه به متن کتاب، پیام عاشورا چیست؟

- ۱ جلویی از انحراف جامعه
۲ بصیرت و روشن بینی
۳ تبعیت مطلق از رهبر
۴ دشمن شناسی

۱۶- کدام عامل باعث به زانو درآمدن و شکست استکبار می شود؟

- ۱ الهام گرفتن از حادثه عاشورا
۲ مقاومت آگاهانه
۳ اقتدای حقیقی به سیدالشهدا علیه السلام
۴ تبعیت از رهبر

۱۷- سه صفت برجسته امام حسین علیه السلام کدامند؟

- ۱ توکل، اقامه نماز، بصیرت
۲ اعتماد به خدا، اقامه نماز، زمان شناسی
۳ اخلاص، توکل، بصیرت
۴ اخلاص، اعتماد به خدا، زمان شناسی

۱۸- از دیدگاه قرآن، عوامل اصلی انحراف و گمراهی جامعه چیست؟

۱) دور شدن از ذکر خدا

۲) دنبال شهوترانی و هوس‌ها رفتن

۳) فراموش کردن خدا و معنویت

۴) همه موارد

۱۹- کدام عنوان برای جمله «نگاه به اعماق و ریزه‌کاری‌های تاریخ و حوادث»

صحیح است؟

۱) درس

۲) عبرت

۳) درس و پیام

۴) هیچکدام

۲۰- لازمه و شرط کارایی ایمان چیست؟

۱) پیوند عاطفی

۲) محبت و عشق عمیق

۳) قیام و اقدام

۴) گزینه او۲

